

رهبری در حکمی که سال گذشته دادند، یک سری نکات را در خصوص تحول عنوان کردند. فکر می‌کنید این اتفاق افتاده است؟
نه، هنوز تحولی در حرکت قرارگاهی شورا در زمینه علم و فرهنگ نمی‌بینم. حوادث جلوتر از شورا در حال حرکت هستند. شوراهایی که نقش سیاستگذاری دارند، باید جلوتر از حوادث حرکت کنند اما متأسفانه اکنون شورا جلوتر از حوادث عمل نمی‌کند. نگاه کنید واکنش شورای عالی به مساله تعلیم و تربیت مجازی چیست؟ واکنش شورا نسبت به اتفاقات و هجرت اخلاق از دانشگاه چیست؟ شورا در مساله اخلاقی دانشگاه کجا قرار دارد؟ شورا در اتفاقاتی که کف دانشگاه در مقوله علم و فرهنگ افتاده، کجاست؟ ما شورای عالی را غایب می‌بینیم. به نظر می‌رسد شورا غایب بزرگ حوادث است.

۹ اگر شورای عالی انقلاب فرهنگی به خوبی کار می‌کرد، امروز در کف خیابان شرایط به گونه دیگری رقم می‌خورد

مهم‌ترین مصوبه دوره اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی را چه در بعد فرهنگی و چه در حوزه علم کدام می‌بینید؟
در چند سال اخیر؟

در دو سال اخیر و به ویژه یک سال اخیر که رهبری نیز بحث تحول شورا را مطرح کردند، چنین مصوبه‌ای نداشته‌ایم؟

اتفاق که هم‌اکنون در کف خیابان‌های کشور می‌افتد به‌طور جدی، دعوی سبک زندگی است. در واقع منازعه تمدنی به شمار می‌رود و در علم و فرهنگ نیز جریان دارد. یعنی سبک زندگی منبعث از علم و فرهنگ است. اگر شورای عالی انقلاب فرهنگی، خوب کار کرده بود شرایط دیگری رقم می‌خورد. هرآنچه شورا انجام داده لازم بوده ولی کافی نبوده، چون با مساله مواجه هستیم. اگر شورا هرآنچه انجام داده و البته لازم بوده، کامل، لازم و کافی بود. امروز می‌گفتم «چرا باید مساله داشته باشیم؟» اکنون بحرانی که داریم، بحران تعلیم و تربیت، بحران سبک زندگی و دعوی گزارها و دعوی باورها است. کدام نهاد بنا بوده قرارگاه این مطلب باشد؟ هرآنچه لازم بوده را حضرت آقا در بیانیه گام دوم انقلاب، سال ۱۳۹۷ فرمودند. ایشان هفت رکن تعریف کردند: اول علم و پژوهش، آخر سبک زندگی. مقام معظم رهبری در «پژوهش» فرمودند: «کشورهای غربی با فقر کامل در اخلاق و معنویت، سبک زندگی خودشان را به کشورهایی که در فناوری عقب هستند، تحمیل می‌کنند.» در «سبک زندگی» نیز فرمودند: «ما جهاد لازم داریم.» بند بعد از علم و پژوهش: حوزه اخلاق، معنویت و هویت بود که خطاب ایشان نیز به جوانان بود. سوال این است که آیا آنچه اتفاق افتاده با پیش‌بینی کلی مطابقت دارد؟ ما می‌گوییم «بزرگ‌ترین اقدام دوره اخیر، بیانیه گام دوم است.» روی بیانیه گام دوم، چه اقدامی کردیم تا این اتفاقات را به‌نوعی کنترل کنیم؟ چیزی سراغ نداریم. ما با فاصله کیلومتری نسبت به حضرت آقا قرار داریم. ما هیچ پاسخ، تدبیر و تعقلی نسبت به همه نکاتی که ایشان در این قضایا تاکید کردند نداشته‌ایم. در حال تفکر هستیم تا ببینیم چه باید بکنیم.

رهبری در حکمی که به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی دادند، بحث بازسازی و انقلاب در ساختارهای فرهنگی را مطرح کردند. به نظر شما الزامات تحقق این انقلاب چیست؟
فرار از بروکراسی. ما یک نظام معیوب دولتی‌سازی، دولت‌سالار و بروکراتیک بر عرصه فرهنگ حاکم کردیم و از مردمی شدن و مردمی‌سازی آن به‌شدت فاصله گرفتیم. این بازسازی «انقلابی» در مقابل چیست؟ در مقابل حرکت‌های بروکراتیک، مقام معظم رهبری در جایی راجع به سیاست خارجی فرمودند: «من دیپلمات نیستم، من انقلابی‌ام». اینجا هم «انقلابی» در مقابل بروکراسی و تکنوکراسی است. در حال حاضر نظام تکنوکرات شدید و بروکراسی بزرگی حاکم است. هرآنچه پول هزینه می‌کنیم، خرج ساختارهای بروکراتیک می‌شود و بهره‌وری نیز بسیار پایین می‌آید.

۹ دانشگاه‌ها در زمینه تعلیم و تربیت اجتماعی حرفی برای گرفتن ندارند

در دانشگاه توجه به میزبانی از قشر جوان، منشأ پیاده‌سازی سیاست‌های فرهنگی به شمار می‌رود. فکر می‌کنید اولویت‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی با در نظر گرفتن واقعیت دانشگاه‌ها در دوره جدید چه باید باشد؟

دانشگاه‌ها در زمینه تعلیم و تربیت اجتماعی و تعلیم و تربیت مهارتی، حرفی برای گفتن ندارند؛ درحالی‌که در تعلیم و تربیت تخصصی خوب کار کرده‌اند. در این دو زمینه باید خیلی جدی کار کرد. کجا مهارت‌های کنترل خشم را به بچه یاد می‌دهیم؟ کجا مهارت گفت‌وگو را به او می‌آموزیم؟ کجا مهارت زندگی در محیط مشترک را آموزش می‌دهیم؟ کجا مهارت معیشت را می‌آموزیم؟ کجا تعلیم و تربیت اجتماعی که سبک زندگی‌ساز است را یاد می‌دهیم؟ ما با سیاست‌های بسیار غلط در محیط کنکور و درگیر کردن جوانان با فن تست، متأسفانه دوره دوم متوسطه و دوره اول دانشگاه را رها کردیم. در پیشرفت علمی

۹ شورا هرگاه به حوزه سیاستگذاری وارد شده، موفق عمل کرده است

آیا شورای عالی انقلاب فرهنگی در بیش از ۴ دهه گذشته، توانسته آن‌طور که باید در نظام حکمرانی اثرگذاری داشته باشد و نقش خود را ایفا کند؟
بحث فرهنگ و علم، دو مقوله حکمرانی هستند که طول دوره سیاستگذاری آنها بلندتر است. دیدمی است فراتر از دولت‌ها باید به این دو مقوله توجه شود. تمام کشورها برای سیاستگذاری در مقوله علم و فرهنگ معمولاً می‌جوشند جدا از امور قانونگذاری رایج خود دارند. نکته مهم اینکه اساساً علم و فرهنگ، قانونگذاری لازم ندارند بلکه سیاستگذاری لازم دارند. البته قانونگذاری برای سازمان‌های فرهنگی و سازمان‌های علمی انجام می‌گیرد اما دولت‌ها در همه جای دنیا برای فرهنگ و علم، یک سیاست ملی علم و یک سیاست ملی فرهنگ در مقوله حکمرانی دارند. اگر بگوییم حکمرانی به الگوهای حکمرانی مانند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علم و فناوری، سلامت، محیط‌زیست، امنیتی و دفاعی تقسیم می‌شود، دو مقوله حکمرانی در زمینه «فرهنگ» و «علم و فناوری» در همه کشورهای جهان دارای سیاست‌های بلندتر و عمیق‌تر است. البته در بعضی از کشورها این زمان به ۱۰ سال کاهش می‌یابد حتی در برخی کشورها سیاست‌های ۵۰ ساله داریم. اگر به سیاست آمریکایی‌ها در قضیه علم نگاه کنیم، می‌بینیم سال ۱۹۴۶ سندی را رئیس‌جمهور این کشور ابلاغ کرد که برای یک دوره ۵۰ ساله به آن پایبند بود. پس مقوله حکمرانی در علم و فرهنگ به‌گونه‌ای است که باید سیاست ملی در آن داشت. این سیاست ملی لازم دارد حتماً بلندتر باشد و نخبگانی نیز صورت بگیرد. لذا اصل موضوع شورای عالی انقلاب فرهنگی، یک امر عقلانی در نظام حکمرانی است. آنجایی که شورا توانسته است به مقوله سیاستگذاری بپردازد، نسبتاً عملکرد بهتری نسبت به مواقعی داشته که در امور قانونگذاری وارد شده است. در بسیاری از موارد، شورا وظیفه خود را ترک کرده و به مقوله قانونگذاری پرداخته و از آن نگاه بلندتر خودش گذشته است. به‌عنوان مثال، شما در زمینه انتصاب روسای دانشگاه‌ها می‌بینید هر دولتی عوض شده، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، همه روسای دانشگاه‌های زیرمجموعه خود را عوض کرده‌اند. اساساً نگاه بلندتر از این رفته است. نگاه به دانشگاه تبدیل به نگاهی چهار ساله شده است، یعنی کاملاً تابع سیاست‌های دولت هستند و تابع یک جمع بلندتر نبوده‌اند. دولت خاتمی، دولت احمدی‌نژاد، دولت روحانی و دولت آقای رئیسی آمدند؛ هرکدام روسای دانشگاه‌های خود را به‌صورت کلی عوض کرده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد شورای عالی نگاه بلندتر و فرارگاهی خود را نداشته است. در بحث کلان، نکته دیگری وجود دارد. در جایی که سیاستگذاری انجام شده، نگاه بلندتر بوده و تابعی از حرکت‌های فصلی دولت‌ها نبوده، موفق‌تر عمل شده است.

۹ سیاست‌های مصوب از سوی شورا عمیق پیدانکرده است

به صورت مصداقی به حوزه ورود شورا در بحث سیاستگذاری و قانونگذاری اشاره کنید.
ببینید به‌رحال نقشه مهندسی فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها، نقشه جامع علمی کشور، چهار سندی هستند که در شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌ثبت رسیده، منتها چون شورا در بعضی از موارد خودش را به‌عنوان مجری قرار داد و سازوکار نگاشت نهادی منطقی نداشته و در حد سند باقی ماندند. شورا به‌جای اینکه بیاید و نظام جاری و ساری شدن را پیاده کرده و دنبال کند تا ببیند آیا سیاست اجرایی و برنامه‌ریزی شکل گرفته یا نه، این کارها را رها کرد و نتیجه این شد که می‌بینید سیاست‌ها نیز عمق و نفوذ پیدا نکرده است. به‌رحال این موارد، اشکالاتی است که وجود دارد. هرکجا شورا به ماهیت وجودی خود نزدیک شد، موفق بود و هر جایی از ماهیت خود دور شد، ناموفق بود.

۹ گاهی می‌بینیم مجلس به جای قانونگذاری به دنبال سیاستگذاری است

در برخی موارد مثل قانون ساماندهی سنجش و پذیرش شاهد همپوشانی بین فعالیت‌های شورا و مجلس بودیم.

با تعریف من، اصلاً همپوشانی نیست. حکمرانی و اداره امور کشور، دو بازو دارد؛ اول سیاستگذاری و دوم قانونگذاری. قانونگذاری را مجلس شورای اسلامی انجام می‌دهد و سیاستگذاری توسط نهادهای سیاستگذار صورت می‌گیرد. در قانون اساسی صراحتاً ذکر شده «سیاستگذاری شأن رهبری است و قانونگذاری شأن مجلس است.» شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در چهارچوب اختیارات رهبری، سیاست می‌گذارد، پس هیچ اختلافی وجود ندارد و مجلس باید سیاست‌های شورا را اجرا کند. دو بال سیاستگذاری و قانونگذاری باید با همدیگر همراه باشند و مجلس تابع این موضوع باشد. متأسفانه مجلس در مواردی می‌خواهد سیاستگذاری کند. درحالی‌که مجلس باید قانونگذاری کند. قانونگذاری و سیاستگذاری دو مفهوم جدا از همدیگر هستند.